نوا

بی تفاوتی در برابر دروغ



توسعه ایرانی: به کار بردن اشعار مولانا و حافظ بدون درج نام آنها در قطعه یک خواننده شاید عملی غیرفرهنگی باشد اما خواندن اشعار شاعران و ترانه‌سرایان زنده بدون رعایت حق مؤلف و رضایت آنها عمل دیگری نام دارد که شایسته هیچ‌کسی نیست چه رسد به کسی که می‌خواهد در بین عامه مردم با موسیقی از همین جنس، پاپ، به شهرت برسد. اما حمید هیراد هنگامی که در فروردین ماه امسال با کمپین اعتراضات چند ده نفر از ترانه‌سرایان به برداشت غیرقانونی و بدون اجازه اشعارشان (سرقت ادبی) مواجه شد تنها سخنانی به زبان آورد که میزان درک او را از فضای زندگی و فعالیتش مشخص می‌ساخت و البته پس از آن با کمک تهیه کننده‌اش توانست رضایت ترانه‌سرایان را در قبال پرداخت حق استفاده از اشعار آن هم بعد از آن رسوایی را بگیرد. اما هفته گذشته او در کنسرتش وقتی به مخاطبانش تعظیم کرد پرده دیگری از رفتارهای او برافتاد، چرا که او تعظیم کرد اما کارگردان که حواسش به صحنه نبود همچنان در پشت صحنه در حال پخش قطعه‌ای بود که او در آن می‌خواند و این گونه پلی بک بودن کنسرت او برای همگان مشخص شد. که سی دیِ اجرای خواننده در استودیو که با دستگاه‌های مختلف دستکاری و درست شده است، برای مخاطبانِ حاضر در سالن پخش می‌شود و خواننده فقط لب‌خوانی می‌کند. درواقع خواننده‌ای که می‌داند صدای مناسبی ندارد، سعی می‌کند صدای واقعی‌اش را از مخاطبان پنهان کند و مخاطبان را فریب دهد. و این گونه با تعظیمی تصنعی تمام این برنامه به رسوایی دیگر تبدیل می‌شود اما هیچ اتفاقی نمی‌افتد و همچنان هیراد می‌تواند بدون بازخواست به کار خویش بپردازد. آیا اهالی موسیقی نیز همانند بسیاری دیگر در جامعه ما در برابر دروغ و فریب بی تفاوت شده‌اند؟

شهریورماه مجمع عمومی خانه موسیقی برگزار می‌شود

فخرالدینی: منتقدان هر حرفی دارند بیان کنند

فرهاد فخرالدینی، آهنگساز و رهبر اسبق ارکستر ملی، روز گذشته در نشست خبری ارکستر فرهنگ و هنر درباره حضور خود در خانه موسیقی به‌عنوان رئیس شورای عالی این خانه گفت: «دوست داشتم در مدتی که در خانه موسیقی حضور دارم منتقدان خانه به‌صورت رودررو بیایند و انتقادات خود را به مدیران ارائه دهند.

همه این عزیزان را جمع کردیم در سالن شهناز خانه هنرمندان تا هر حرفی بود بیان کنند. این رویه هنوز ادامه دارد. پیرو نظر خواهی که از اهالی موسیقی شد، تمایل به تغییر در اساسنامه خانه موسیقی وجود داشت. این عزیزان (منتقدان) تمایل دارند که در اساسنامه خانه موسیقی تغییراتی ایجاد شود. البته تا جایی که اطلاع دارم قرار است شهریورماه سال جاری مجمع عمومی برگزار شود و تصمیماتی در این حوزه اعمال گردد و خانه موسیقی در مجمع عمومی نسبت به تغییر و اصلاح اساسنامه قدم‌هایی را برمی‌دارد.

در این زمینه پیشنهادهایی شده است که هیأت مدیره و مدیر عامل بیش از دو دوره متوالی اجازه کاندید شدن نداشته باشند.

این‌ها کارهایی است که در شرف انجام است و امیدوارم هر چه زودتر بتوانیم به نتایج مثبتی در این زمینه دست پیدا کنیم. من اساساً از حضور در شوراها امتناع می کنم اما دوستان عزیزم آن‌قدر آمدند و رفتند تا در نهایت ریاست شورای عالی خانه موسیقی را پذیرفتم. از ابتدا هم دوست داشتم منتقدین و اهالی خانه موسیقی با شفافیت تمام مطالب خود را عنوان کنند نه اینکه کسی در روزنامه‌ای حرفی بزند و ما یک ماه بعد جواب بدهیم.» رییس شورایی عالی خانه موسیقی همچنین در پایان گفت: ما اینجا نیستیم که اختلافات آقای ساکت و آقای نوربخش را حل کنیم. این مسئله را به زمانی موکول کنیم به زمانی دیگر که درباره همین مسئله و به‌طور مفصل صحبت کنیم.

محسن چاوشی و برد خبری هشدار برانگیز او برای دفتر موسیقی

بگذارید عملکرد به جای شایعه حرف بزند

PDF Compressor Free Version



لیلا موسی‌زاده، روزنامه‌نگار

ماههای گذشته هنگامی که مردم خوزستان در صف‌های طویل بی‌آنتها برای دریافت آب ایستاده بودند و مدام مسئولین با اتلاف وقت تنها وعده حل و فصل معضل قحطی آب در خوزستان را به صورت خلق الساعه می‌دادند و کاری از پیش نمی‌بردند، هنگامیکه فضای یأس‌آلود ناشی از ناتوانی مدیریت بحران در خوزستان بیش از پیش به چشم می‌آمد و انتظار وقوع فاجعه می‌رفت، صدای خسته و زخمی محسن چاوشی که در اندوه غم بی‌کران خوزستان دردهایش را به ناله بیان می‌کرد، تنها مرهم درد مردم بی‌پناه خوزستان بود که گویی در رثای این همه محنت‌زدگی و رنج‌کشیدن تاریخی در این خاک پرثروت بی‌حاصل، زخمهایشان را فریاد می‌کردند و با نجابت همیشگی چاره می‌خواستند، چاره‌ای که حالا سالهاست در هزارتوی آگراندیسمانهای مدیران گم شده و هر چه می‌گذرد بیشتر فراموش می‌شود.

البته در این فضای پرالتهاب و تنش، قطعه موسیقی خوزستان چاوشی توانست برای مدیران همیشه مستأصل، سوپاپ اطمینانی باشد در رفع آشوب و ناامنی محتمل و صدالبته که تسکینی بود بر آلام مصیبت‌کشیدگان خوزستانی. از این رو این قطعه موسیقی تنها کارکردی شنیداری برای مخاطب طرفدار چاوشی نداشت بلکه کارکردی که قطعه خوزستان در برد اجتماعی و سیاسی-امنیتی از خود نشان داد سوای اینکه نشان‌گر تاثیرگذاری بیش از پیش این خواننده است و بیان‌گر تبدیل شدن دایره تاثیرگزاری او از هواداران موسیقی پاپ به اجتماعات مردمی معترض، گواه این بود که گاهی سیاستمدارانی که در تامین خواسته‌های مردم ناتوان هستند اما حق اعتراض آنها را به صورت مجازی و محدود می‌پذیرند و از این راه جهت تخلیه التهابات مردم برای مدیریت بحرانهای پیش رو مدد می‌جویند.

بهتر است دفتر موسیقی اقداماتش را در جهت به نتیجه رساندن درخواست‌های صدور مجوز در مدت زمان مشخصی تنظیم کند تا به جای توجیهات ناپذیرفتنی، نتیجه عملکرد آن پیش چشم متقاضی گویای همه چیز باشد

کارکردی که هرگز صاحب اثر در فکر آن نبوده و به آن نیاندیشیده است. اما این بُعدی است که همیشه در موسیقی پاپ به علت فراگیر بودن جامعه مخاطبان آن، امکان استفاده مستقیم و غیرمستقیم را می‌دهد و این مساله از چشم مدیریت کنندگان جامعه دور نبوده و نیست. و هوشمندترین آنها از اینگونه مسایل امتیاز موفقیت وپوئن مثبت می‌سازند.

اما این موضوع تنها مساله در بررسی برد تاثیرگذاری خواننده و قطعه‌اش نیست بلکه فضای پرالتهاب همواره مستعد پرورش شایعات گوناگون در جامعه است و فعالیت خواننده قطعه خوزستان نیز از آن مستثنی نبوده.

از این رو خیلی زود شایعاتی مبنی بر ممنوع‌الکاری این خواننده در فضای مجازی پیچید که هر چند چاوشی آن را تکذیب کرد اما شایعه به طور عام تاثیر گذاشته بود چرا که دو ماه پس از انتشار این قطعه، خبر عدم موفقیت در اخذ مجوز آلبوم «ابراهیم» در اذهان هواداران و معترضان به آن شایعه پیوند می‌خورد. البته این بار کارکرد شایعه بیشتر در جهت تامین منافع تهیه کننده و سرمایه‌گزار بود تا هواداران و مدیران.

شایعاتی که در فضای ناسالم و پرحاشیه تجارت موسیقی پاپ، تقریبا به کارکردی همچون اهرم فشار بر دفتر موسیقی وزارت ارشاد تبدیل شده تا شورای شعر و موسیقی را هرچه زودتر به صدور مجوز هدایت کند.

به همین دلیل لازم است مدیرانی که در دفتر موسیقی مشغول فعالیت هستند بیش از پیش دقت لازم را در جهت دور ساختن حواشی از نحوه عملکرد خویش به کار ببرند چرا که در این فضای پرالتهاب، کوچکترین مساله‌ای درباره خوانندگانی با دامنه اثرگذاری بالا، نه تنها امکان بروز شایعات بزرگ را فراهم می‌آورد بلکه سابقه و عملکرد پرپرسش این دفتر را بیش از پیش مخدوش و بی‌اعتبار می‌نماید. آن‌هم اکنون که مدیریت دفتر موسیقی بر عهده فرد خوش‌سابقه و نامی قرار گرفته که مورد احترام اهالی موسیقی است و گامهایی در جهت بهبود اوضاع و روال کار این دفتر برداشته، از این رو بهتر است در این مجموعه سازوکاری اتخاذ کنند تا روال صدور مجوز موسیقی حوزه پاپ نیز همانند سنتی، کلاسیک و فولک کوتاهتر گردد و البته هیچ درخواست مجوزی به علت عدم پیگیری درخواست کننده، به حال خویش رها نشده باشد. بهتر است دفتر موسیقی اقداماتش را در جهت به نتیجه رساندن درخواستهای صدور مجوز در مدت زمان مشخصی تنظیم نماید تا به جای توجیهات ناپذیرفتنی، نتیجه عملکرد دفتر موسیقی پیش چشم متقاضی گویای همه چیز باشد.

در این فضای پرالتهاب، کوچکترین مساله‌ای درباره خوانندگانی با دامنه اثرگذاری بالا، نه تنها امکان بروز شایعات بزرگ را فراهم می‌آورد بلکه سابقه و عملکرد پرسش‌برانگیز دفتر موسیقی را بیش از پیش مخدوش و بی‌اعتبار می‌کند

استکاتو

ضرورت تغییر در مدیریت بنیاد رودکی

در بر همان پاشنه خواهد چرخید؟

بیتا یاری، روزنامه‌نگار

نزدیک به دو سال پیش جشن رونمایی از جدیدترین مدل ماشین کمپانی رنودر تالار وحدت بمب خبری‌ای بود که در فضای کشور پیچید، تا همه نگاه‌ها متوجه عملکرد ناموجه مدیریت یک مجموعه فرهنگی هنری به نام بنیاد رودکی گردد. بنیادی که قرار است با داشتن تالار وحدت، تالار رودکی، تالار حافظ، تالار فردوسی و برج آزادی در جهت فعالیت‌هایی از قبیل کنسرت و تئاتر برآید اما با عملکردی که در دو سال گذشته داشته بیشتر غیرفرهنگی و تجاری بودن تصمیمات و مدیریت و رفتار آن را به نمایش گذاشته است.

چرا که نه تنها مدیریت این مجموعه از این گونه رونمایی‌ها در تالار وحدت اجتناب نکرد (هر چند قولش را داده بود) بلکه مراسم رونمایی محصولات یک کمپانی لوازم آرایشی را در ماه گذشته در آن برگزار کرد تا نشان دهد در ذهن مدیریت مجموعه بنیاد رودکی، سالن‌داری کردن او در خصوص سالن کنسرت و تئاتر فرقی با سالن عزا و عروسی و مراسم‌های این چنینی ندارد و صرفاً به کرایه دادن سالن می‌اندیشد. آن‌هم سالنی که به قول استاد حسین علیزاده همانند پیکان تهران-الف ماشین مسافرکشی شده است و در چندین سئانس در طول روز به برنامه‌های متعدد کرایه داده می‌شود که موجب شده اغلب برنامه‌ها با تأخیر در آغاز مواجه شود. تالاری که روزگاری تنها برای موسیقی جدی و اساتید موسیقی اختصاص می‌یافت حالا محل رفت‌وآمد کنسرت‌های پاپ و کوچه‌بازاری نیز شده است. و البته با بینش مدیریتی حاکم بر مجموعه، این گونه رفتارهای ناشایست را با یک عذرخواهی مرتفع شده می‌پندارد.

همچنین مدیریت بنیاد رودکی اصلاً به فکر مرمت و نگهداری تالار وحدت، علاوه بر حفظ جایگاه این سالن نیست و تنها با برهم زدن دکوراسیون داخلی و طراحی مبلمان ردیف اول تالار وحدت در سال گذشته، امکان جلوس راحت مدیران را فراهم کرده‌اند آن هم بدون رعایت فاصله چیدمان صندلی‌ها که موجب بیرون ماندن لوله‌ها و هواکش‌های زیر صندلی‌ها شده اما صندلی‌های بالکن‌ها و سیستم تهویه خراب این مجموعه همچنان بدون تعویض و تعمیر مانده‌اند. ضمن اینکه رقم کرایه سالن هر سال افزایش عجیبی پیدا می‌کند و البته مالیات بر ارزش افزوده نیز که طبق توافق سه خانه موسیقی، سینما و تئاتر با سازمان امور مالیاتی کشور می‌بایست از آن معاف باشند را نیز از کرایه کنندگان سالن می‌گیرد.

همان گونه که مدیریت مجموعه بنیاد رودکی در شناخت بازار بیزینس سالن و درک توان اقتصادی موزیسین‌ها دچار اشتباهات فاحشی بوده به‌مراتب در مدیریت ارکسترها که مساله‌ای متکی به دانش و هنر است به قهقرا رفته است. انتخاب رهبران ارکسترها از موزیسین‌های پاپ بدون دانش و تجربه رهبری ارکستر، آگاه نبودن به جایگاه ارکستر سمفونیک تهران و واداشتن ارکستر سمفونیک به اجرا در برنامه رونمایی ماشین رنو که جایگاه آنها را تا مطربان بنگاه شادمانی تقلیل داد، افت سطح ارکسترها و پایین آمدن جایگاه فنی و هنری ارکستر سمفونیک تهران با انتخاب تکراری برنامه‌های پاپ و غیرهنری، اصرار به اعزام منتخب ارکسترها و مدیران بنیاد رودکی و خبرنگاران به روسیه جهت همراهی تیم فوتبال در جام جهانی که با انتقادات مارگاریتا کارا تیگینا معاون کنسرواتوار چایکوفسکی مسکو موجبات سرافکندگی و وهن تاریخ موسیقی کلاسیک ما شد، همگی نشان از انتخاب نادرست مدیریت این مجموعه دارد که امیدواریم حالا که دوره دوساله مدیریت علی‌اکبر صفی‌پور بر مجموعه بنیاد رودکی پایان یافته است این موارد دلایل قاطعی برای عدم تمدید قرارداد او توسط وزیر محترم فرهنگ باشد و موجبات انتخاب جایگزین بهتری گردد که حداقل مدیر جدید مرتکب موارد فوق نشده و دنیای مدیریت فرهنگ و هنر و فرق آن را با دنیای تجارت بشناسد و تجربه شایسته‌ای در این کار داشته باشد.

باید دید در چند روز آینده آیا وزیر فرهنگ تصمیم جدی برای تغییر مدیر عامل بنیاد رودکی خواهد گرفت و یا در بر همان پاشنه خواهد چرخید که بود؟

Roudaki Foundation
بنیاد رودکی

به مناسبت چهلمین روز درگذشت حسن مفیدی، مدیر انتشارات پارت

اولین ناشر جدی و دقیق کتاب‌های موسیقی

میرعلیرضا میرعلینقی، منتقد موسیقی

آقای مفیدی، یکی از زمینه‌سازان حرفه نشر کتاب‌های موسیقی در چهل سال گذشته بود و احتمالا از اولین‌ها. مردی کوشا و کم ادعا که سی و چند سال پیگیری او در این کار دشوار، اثرات خوب و کارآمدی در این زمینه گذاشت.

او در اول کارش، با انتشار کتابهایی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فلسفی و گاه تاریخی، قدم به این میدان گذاشت و خیلی زود با استقبالی که از هنر موسیقی در اوایل دهه ۶۰ می‌دید، خواست که در این راه خدمتگزار باشد.

زمانی که او پارتیتورهای آهنگسازان بزرگ را چاپ می‌کرد، شاید در ایران چندصد نفر هم نمی‌دانستند که پارتیتور چیست و چه کاربردی دارد. به مرور زمان، کیفیت نشر و کتاب آرایی او نیز بالا رفت و مهم‌تر از همه این که مشاوران حسن مفیدی در شناسایی استعدادهای جوان در عرصه تألیف و ترجمه نیز هوشیار بود و برای فعالیت آنها زمینه‌سازی می‌کرد. خیلی ها به او مدیون هستند حتی اگر نخواهند به آن معترف باشند. تداومش در کار، حفظ پرنسیپ‌های فرهنگی و عشقی که به حفظ نام و ارزش انتشارات پارت داشت؛ کارش و نیز محل کارش در روبروی دانشگاه تهران را توسعه داد و یکی از مراجع همیشگی دانشجویان موسیقی و دیگر رشته‌های هنری شد. آقای مفیدی این اواخر کمتر در فروشگاه انتشارات پارت دیده می‌شد و گویا خستگی سالهای کار بر او افتاده بود و از این رو، کمتر او را می‌دیدیم. کسی را نمی‌شناسم که خاطره نامطلوبی از او داشته باشد. حسن مفیدی مردی مردم‌دار و برای اجتماع و حرفه‌اش مفید و خوش‌تأثیر بود. در گذشتش مایه دریغ است و برای من دریغی مضاعف از این که خاطرات ارزشمندش، ناشنیده و ضبط نشده ماند.